

# به نام خدا نگارش چهارم



# ارزش علم

درس چهارم

املا و دانش زبانی



جدول زیر را مانند نمونه، کامل کنید.



مشغول	غرق	حرکت
<p>م</p> <p>—</p> <p>مش</p> <p>— —</p> <p>مشغ</p> <p>— — —</p> <p>مشغو</p> <p>— — — —</p> <p>مشغول</p> <p>— — — — —</p>	<p>غ</p> <p>غـ</p> <p>—</p> <p>غرق</p> <p>— —</p>	<p>ح</p> <p>حـ</p> <p>حرک</p> <p>حرکت</p>

۲ در هر ردیف با توجه به متن درس، کلمه‌ی خواسته شده را پیدا کنید.

۱ کلمه‌ی سه حرفی که حرف وسط آن (ص) باشد.

۲ کلمه‌ی چهار حرفی که حرف اول آن (ح) باشد.

۳ کلمه‌ی پنج حرفی که نشانه‌ی (ا) دو بار در آن به کار رفته باشد.

۴ کلمه‌ی شش حرفی که حرف آخر آن صدای (ه) باشد.





🍊 فرض کنید، مشغول صحبت با دوستان هستید. برای گفتن هر یک از مطالب زیر از چه جمله‌ای استفاده می‌کنید؟

🕒 وقتی می‌خواهید روز تولدش را بدانید.

بخشید؛ روز تولد شما چه روزی است؟ (جمله خبری).

🕒 وقتی می‌خواهید درباره‌ی زیبایی گلدان روی میز، مطلبی بگویید.

به به؛ چه گلدان زیبایی‌ا. (جمله عاطفی)

وقتی می‌خواهید به او بگویید آخرین کتابی که خوانده‌اید، چه بوده است. 

آخرین کتابی که خوانده‌ای چه کتابی بوده است.؟ (جمله پرسشی)

وقتی از او می‌خواهید برایتان آب بیاورد. 

لطفاً برایم آب بیاورید. (جمله امری)



۱ با توجه به متن درس، جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

روزی کشتی گرفتار ..... **توفان** ..... شد. موج های دریا یکی ..... **پس** ..... از دیگری از راه می رسیدند و خود را به کشتی می کوبیدند. ناخدا هر چه کرد، نتوانست کشتی را از میان ..... **امواج** ..... نجات دهد و ..... **مسافران** ..... در میان امواج گرفتار شدند. حکیم از ..... **هوش** ..... رفت و وقتی چشم باز کرد، خود را در ..... **ساحلی** ..... دور افتاده دید.

با حروف درهم ریخته‌ی زیر، هر تعداد که می‌توانید، کلمه‌ی معنی‌دار بسازید.

بغض

معاون

قضاوت



امواج

تاج

قانع



۱ از روی سرمشق زیر، خوش خط و زیبا بنویسید.

توانا بود هر که دانا بود      ز دانش دل پیر برنا بود

توانا بود هر که دانا بود      ز دانش دل پیر برنا بود

توانا بود هر که دانا بود

زدانش دل پیر برنا بود



ن	ا	ب	د	ا	ب	۱
ن	ا	ف	و	ت		۲
ش	ن	ا	د			۳
ر	ه	ش				۴
و	ت					۵

کشتی‌ها دارند.

به بادهای شدید چه می‌گویند؟

همان علم است.

مخالف روستا؟

من و.....ما می‌شویم.



داستان زیر را بخوانید و به سؤال‌های آن پاسخ دهید.

چند قورباغه از جنگلی عبور می‌کردند که ناگهان دو تا از آنها به داخل گودال عمیقی افتادند. بقیه‌ی قورباغه‌ها کنار گودال جمع شدند و هنگامی که دیدند گودال خیلی عمیق است به آن دو گفتند که دیگر چاره‌ای نیست؛ شما به زودی خواهید مرد. دو قورباغه این حرف‌ها را نشنیده گرفتند و با تمام توانشان کوشیدند که از گودال بیرون بپرند؛ اما قورباغه‌های دیگر، مدام به آنها می‌گفتند که دست از تلاش بردارند؛ چون نمی‌توانند از گودال بیرون بیایند و به زودی خواهند مرد. سرانجام یکی از دو قورباغه تسلیم گفته‌های دیگر قورباغه‌ها شد و از تلاش دست برداشت. او به ته گودال پرت شد.

اما قورباغه‌ی دیگر با تمام توان برای بیرون آمدن از گودال تلاش می‌کرد. هر چه بقیه‌ی قورباغه‌ها فریاد می‌زدند که تلاش بیشتر فایده‌ای ندارد، او مصمم‌تر می‌شد تا اینکه عاقبت از گودال بیرون آمد. بقیه‌ی قورباغه‌ها از او پرسیدند: مگر تو حرف‌های ما را نمی‌شنیدی؟ در آن هنگام معلوم شد که قورباغه واقعاً ناشنواست. او در تمام مدت فکر می‌کرد که دیگران او را تشویق می‌کنند!

۱ چرا قورباغه‌ای که ناشنوا بود، موفق شد از گودال خارج شود؟

چون در تمام مدت فکر میکرد دوستانش او را برای بیرون آمدن از گودال تشویق میکنند.

۲ این داستان دو پیام مهم داشت. به نظر شما آن دو پیام چه بود؟

به حرفهای دیگران توجهی نکنیم و برای رسیدن به هدف دست از تلاش بر نداریم و هیچ وقت ناامید نشویم

۳ به نظر شما بهترین عنوان برای این داستان چیست؟ چرا؟

خود باوری: چون به تواناییهای خود ایمان داریم.



الف) بند زیر را با دقت بخوانید و «**جمله‌ی موضوع**» آن را بنویسید. موضوع کلی و کوچک‌تر جمله‌ی موضوع را مشخص کنید و درباره‌ی جمله‌های دیگر بند در گروه گفت‌وگو کنید.

«دیروز به کتابخانه‌ی مسجد رفتم. سالن کتابخانه کاملاً ساکت بود. تعدادی میز و صندلی در آن دیده می‌شد و چند نفر مشغول مطالعه بودند. دور تا دور سالن پر از قفسه‌های کتاب بود. قفسه‌ها چهار ردیف داشتند و کتاب‌ها با نظم خاصی در آنها چیده شده بودند. بعضی از کتاب‌ها بزرگ بودند و برخی کوچک، رنگ‌های متفاوت جلد کتاب‌ها، نظرم را به خود جلب کرد. کتابی برداشتم و پشت یکی از میزها نشستم و شروع به خواندن آن کردم.»

جمله‌ی موضوع : کتابخانه مسجد

موضوع کلی:

سالن کتابخانه

موضوع کوچک‌تر:

انواع کتابها

نویسنده‌ی این بند، ابتدا سالن کتابخانه را با دقت نگاه کرده است. سپس اجزایی را که دیده، توصیف کرده است. این نوع بندها را بند توصیفی می‌گویند. برای نوشتن بند توصیفی، خوب دیدن بسیار اهمیت دارد.



ب) به یک شیء با دقت نگاه کنید. سپس اجزای آن را توصیف کنید. مثلاً به دفترچه‌ی

خود، کلاستان و یا نقشه و تصویری که روی دیوار نصب شده است، خوب نگاه کنید و یک بند

توصیفی بنویسید.

به جلد کتاب نگارش خود به دقت نگاه کنید؛ جلد کتاب چه چیزی را توصیف میکند. (خوب دیدن).

.....

.....



موفق باشید